موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

رأی وحدت رویه شماره۷۴۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور با موضوع تأیید آرا شعب سی و هشتم و چهل و چهارم دیوان عالی کشور به دلیل انطباق با ماده۴ قانون مدنی در خصوص آرا محکومیت مرتکبین جرایم موادمخدر

– :– –:–= شماره۱۱۰/۱۵۲/۸۹۸۴۵ ۱۳۹۴/۱۰/۱۵

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور

گزارش پروندهٔ وحدت رویه ردیف ۱۸/۹۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور با مقدمهٔ مربوط و رأی آن به شرح ذیل تنظیم و جهت چاپ و نشر ایفاد می گردد.

معاون قضائی دیوان عالی کشور ـ ابراهیم ابراهیمی

مقدمه

جلسهٔ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورد پروندهٔ وحدت رویهٔ ردیف ۱۸/۹۴ رأس ساعت ۹ روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۴/۸/۲۶ به ریاست حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای حسین کریمی رئیس دیوان عالی کشور و حضور حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سید ابراهیم رئیسی دادستان کل کشور و شرکت آقایان رؤسا، مستشاران و اعضای معاون کلیهٔ شعب دیوان عالی کشور، در سالن هیأت عمومی تشکیل شد و پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید و قرائت گزارش پرونده و طرح و بررسی نظریات مختلف اعضای شرکت کننده در خصوص مورد و استماع نظریهٔ دادستان کل کشور که به ترتیب ذیل منعکس می گردد، به صدور رأی وحدت رویهٔ قضائی شمارهٔ ۷۴۵-۱۳۹۴/۸/۲۶ منتهی گردید.

الف: گزارش پرونده

احتراماً معروض می دارد: به دلالت مفاد دادنامه های ۸۰۰۰۲۸ ـ ۱۳۹۴/۲/۶ و ۴۰۰۰۰۱-۱۳۹۴/۵/۴ شعب چهل و چهارم و سی و هشتم دیوان عالی کشور و دادنامه های ۹۰۰۰۰۸ ـ ۱۳۹۴/۵/۱۸ و ۷۰۰۰۰۰۴-۱۳۹۴/۵/۱۹ شعب چهل و پنجم و چهل و ششم دیوان عالی کشور، با استناد به قوانین متفاوت، در موضوع مشابه (قابل تجدیدنظر بودن احکام مجازات غیر اعدام جرائم مواد مخدر) آرا مختلف صادر گردیده است که جریان پرونده های هر یک از شعب مرقوم به شرح ذیل منعکس می شود:

الف) در پرونده ۸۰۰۲۸۱ شعبهٔ چهل و چهارم دیوان عالی کشور، آقای زیارت... به اتهام خرید مجموعاً ۹۵۰/۱۳۶ کیلوگرم تریاک بنا بر نحوه و کیفیت جاسازی مواد و دلایل استنادی به موجب بند ۶ مادهٔ ۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاحات و الحاقات بعدی ۱۳۸۹ به مجازات حبس ابد و جزای نقدی به مبلغ چهارصد و سی و سه میلیون ریال و ۷۴ ضربهٔ شلاق و مصادرهٔ اموال محکوم شده است. از رأی صادره وکیل ایشان تجدیدنظرخواهی نموده و پرونده به دادستانی کل کشور ارسال و از آن طریق به دیوان عالی کشور واصل و به این شعبه ارجاع گردیده است .

هیأت شعبه پس از قرائت گزارش آقای غلامعلی رضایی عضو ممیز و ملاحظهٔ اوراق پرونده و نظریهٔ کتبی آقای محمد باقر باقری دادیار دیوان عالی کشور اجمالا مبنی بر اینکه پرونده قابل طرح و رسیدگی در دیوان عالی کشور، نمی باشد چنین رأی داده اند:

«نظر به اینکه احکام صادره درمورد مواد مخدر غیر از اعدام قطعی و حق تجدیدنظرخواهی برای محکوم علیه در ق. م. م.م. پیش بینی نشده است فقط در حدود مقررات مادهٔ ۳۲ قانون، احکام صادره راجع به مواد مخدر درخصوص اعدام قابل تأیید یا نقض رئیس دیوان عالی کشور می توانست قرار بگیرد، لذا در مورد احکام غیر اعدام با توجه به اینکه به موجب رأی ۶۲ ـ ۶۱ ـ ۶۱ ـ ۱۳۹۴/۱/۳۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مادهٔ ۲۶ آیین نامهٔ اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر که برای احکام قطعی مهلت تجدیدنظرخواهی مقرر کرده بود ابطال گردیده و بنابراین، قبل از نسخ صریح مادهٔ ۳۲ همان قانون مطابق مادهٔ ۵۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۴ فقط به مدلول مادهٔ ۳۲ ق م . م . عمل می گردید و در قانون جدید آیین دادرسی کیفری نیز در خصوص احکام قطعیت یافته هیچ موردی پیش بینی نشده است و در مادهٔ ۴ قانون مدنی مقرر گردیده قانون نسبت به ما قبل اثر ندارد و مادهٔ ۹ قانون آیین دادرسی [دادگاه های عمومی و انقلاب در امور] مدنی نیز آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض و فرجامخواهی را تابع قانون مجری در زمان صدور آن دانسته است و مادهٔ ۱۱ قانون مجازات اسلامی در خصوص شیوهٔ دادرسی، شامل احکام قطعی در زمان صدور آن نمی باشد، بنا بر مراتب فوق، فرجام خواهی فرجام خواه قابل رسیدگی در دیوان عالی کشور نمی باشد. این رأی قطعی است.»

ب ـ در پروندهٔ ۹۴۰۰۰۱ شعبه سی و هشتم دیوان عالی کشور نیز دربارهٔ دادنامهٔ ۳۰۰۲۱۶-۱۳۹۳/۱۱/۱۴ تجدیدنظر خواسته، مشاوره نموده و طی دادنامهٔ ۴۰۰۰۰۱-۱۳۹۴/۵/۴ به شرح زیر رأی داده اند:

«مستنبط از رأی وحدت رویهٔ شمارهٔ ۵۲۶ ـ ۱۳۶۸/۲/۱۹ هیأت محترم عمومی دیوان عالی کشور، اثر قانون مطابق مادهٔ چهار قانون مدنی نسبت به آتیه است و به ما قبل خود اثر ندارد مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی پیش بینی شده باشد و نظر به اینکه در قانون آیین دادرسی کیفری مقررات خاصی برای درخواست تجدیدنظر محکوم علیه یا دادستان و .. برای احکام قطعی دادگاه های انقلاب اسلامی در مورد جرائم مواد مخدر در نظر گرفته نشده و آرا دادگاه ها از حیث قابلیت اعتراض و پژوهش و فرجام تابع قانون مجری در زمان صدور آن می باشد و در تبصرهٔ مادهٔ ده قانون مجازات اسلامی نیز مقرر داشته مقررات فوق در مورد قوانینی که برای مدت معین یا موارد خاص وضع شده است مگر به تصریح قانون لاحق اعمال نمی شود از این رو تجدیدنظرخواهی وکلای آقای عبدالسلیم... نسبت به دادنامهٔ شمارهٔ ۹۳۰۹۹۷۷۱۹۷۳۰۰۲۱۶ ـ ۱۳۹۳/۱۱/۱۴ صادره از شعبهٔ اول دادگاه انقلاب اسلامی نامرد متضمن محکومیت موکلشان به تحمل هجده سال و چهار ماه و پانزده روز حبس و جزای نقدی و شلاق به اتهام نگهداری بیست و دو گرم هروئین به لحاظ قطعی بودن در زمان صدور حکم و نسخ مادهٔ ۳۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر به ویژه قسمت اخیر آن، غیر قابل طرح در دیوان عالی کشور تشخیص داده می شود، اما شعب چهل و پنجم و چهل و ششم دیوان عالی کشور طی پروندهٔ های ۹۰۰۰۱۸ و ۹۴۰۰۰۴، در نظیر مورد به اعتراضات واصله رسیدگی کرده اند که دادنامه های مربوط به هر کدام عینا منعکس می شود:

دادنامهٔ ۹۰۰۰۰۸ـ ۱۳۹۴/۵/۱۸ شعبهٔ چهل و پنجم:

در خصوص اعتراض دادیار شعبهٔ هفتم دادسرای عمومی و انقلاب قزوین و نیز اعتراض و فرجام خواهی آقای علیرضا... وکیل آقایان فرهاد... و داود... نسبت به دادنامهٔ شمارهٔ ۹۳۰۰۰۱۰۰۵ - ۱۳۹۳/۵/۲ صادر شده از شعبهٔ دوم دادگاه انقلاب اسلامی قزوین که طی آن نامبردگان به اتهام امحا مقدار دو کیلوگرم مواد روانگردان شیشه به استناد مادهٔ ۲۳ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر به یازده سال حبس تعزیری محکوم شده اند، با توجه به مجموع محتویات پرونده صورت جلسهٔ مأمورین پلیس مبارزه با مواد مخدر قزوین و تحقیقات انجام شده از آنان در دادسرا که اعلام کردند پس از مشکوک شدن به نامبردگان در عوارضی شمارهٔ ۲ و باز کردن درب جلو خودرو، پلاستیک حاوی دو کیلوگرم شیشه در جلو پای سرنشین خودرو مشاهده گردیده که قبل از برداشتن پلاستیک با دستور سرنشین پراید راننده اقدام به فرار نموده و در تعقیب و گریز خودرو، پلاستیک حاوی مواد به بیرون پرتاب می شود.

قطع نظر از عدم کشف مواد مذکور و انکار نامبردگان از بدو دستگیری نظر به اینکه مواد مزبور قبل از امحا در خودرو مشاهده شده، لذا اتهام متهمان مشارکت در حمل و نگهداری مواد مذکور می باشد، از این رو اعتراض دادیار شعبه هفتم دادسرای عمومی و انقلاب قزوین و نیز اعتراض وکیل نامبردگان وارد است، به استناد بند ۴ شق ب مادهٔ ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ دادنامهٔ موصوف در قسمت محکومیت آنان به اتهام شرکت در امحا مواد نقض می شود و پرونده به شعبهٔ هم عرض دادگاه رسیدگی کننده ارجاع می گردد.

۲. دادنامهٔ ۷۰۰۰۰۰۴- ۱۳۹۴/۵/۱۹ شعبهٔ چهل و ششم:

در مورد اعتراض وکلای خانم عاطفه... و آقای اشکان... نسبت به دادنامهٔ ۱۰۱۲۸۷- ۱۳۹۳/۱۱/۲۳ شعبهٔ اول دادگاه انقلاب اسلامی همدان مبنی بر محکومیت هر یک از نامبردگان به مجازات حبس ابد، با محرز بودن کشف مواد مذکور در دادنامه از منزل تحت تصرف خانم عاطفه...، انکار مالکیت خویش و انتساب آن به آقای محمد... و بیان این ادعا که در آن منزل مستأجر بوده و به جای پرداخت اجاره بها برای موجر مواد موصوف را نگهداری کرده است موثر در مقام نبوده و از آن حیث که رکن مادی بزه نگهداری مواد مخدر ملازمه ای با مالکیت آن ندارد و از اثبات برائت مشارالیها قاصر بوده و از جهت تشخیص عنوان جرم، ترتب کیفر و رعایت تشریفات دادرسی عاری از اشکال مقتضی نقض می باشد، لذا مستنداً به بند الف مادهٔ ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی دادنامهٔ فرجام خواسته را ابرام می نماید. دادنامه در قسمت مربوط به محکومیت آقای اشکان... واجد نقص در تحقیقات بوده و ذیلاً احصا می گردد: ۱. گزارش اولیه ناظر به فعالیت خانم عاطفه... و آقای محمد... در توزیع مواد مخدر بوده و در مورد وضعیت اخلاقی اشکان... و فعالیت داشتن در تهیه و توزیع مواد مخدر از مطلعین محل تحقیق نشده است. ۲. در مورد وجود علقه زوجیت موقت که در توجیه حضور وی در منزل خانم عاطفه ادعا شده است بررسی به عمل نیامده و به طور کلی در رفت و آمد مشارالیه به منزل یاد شده و ارتباط داشتن با محمد... و عاطفه... از افراد مطلع تحقیق نشده است. ۳. علاوه بر سابقهٔ محکومیت اشکان... موضوع دادنامهٔ شمارهٔ ۱۶۲۹/۹۰- ۱۳۹۰/۱۱/۱۱ مبنی بر نگهداری شیشه و ... (صفحهٔ۴۴) سابقهٔ اتهامی مذکور در ظهر برگ انگشت نگاری (صفحهٔ۱۰) از حیث نتیجه ابهام دارد. ۴. با توجه به کشف دو عدد پایپ از مأمورین کاشف در خصوص مستعمل بودن آن، محل قرار داشتن مواد از حیث در معرض دید بودن آن و عکس العمل محکوم علیه تحقیق نشده است. ۵. درخصوص نحوهٔ امرار معاش نامبرده تحقیق و پرینت مکالمات تلفنی مشارالیه در مدت دو ماه منتهی به کشف مواد و داشتن ارتباط تلفنی مکرر با دو نفر دیگر استعلام و مورد ارزیابی قرار نگرفته است، لذا معطوفاً به مراتب یاد شده و مستنداً به بند۲ شق «ب» و تبصرهٔ ذیل مادهٔ ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات سال ۱۳۹۴ این بخش از دادنامهٔ فرجام خواسته نقض و رسیدگی مجدد به دادگاه صادرکنندهٔ رأی ارجاع می گردد.

همان طور که ملاحظه می فرمایید شعب چهل و چهارم و سی و هشتم دیوان عالی کشور احکام صادره در مورد مواد مخدر، غیر از اعدام را، قطعی و غیر قابل تجدیدنظر خواهی دانسته و با توجیهات به عمل آمده در آرا مورد بحث، آنها را غیر قابل طرح در دیوان عالی کشور دانسته اند ولی شعب چهل و پنجم و چهل و ششم برخلاف نظر شعب مذکور در فوق، اعتراض نسبت به محکومیت های غیر از اعدام را قابل طرح در دیوان عالی کشور تشخیص داده و نسبت به تجدیدنظر خواهی های به عمل آمده در حدود مقررات مادهٔ ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی اتخاذ تصمیم کرده اند که چون با این ترتیب شعب مختلف دیوان عالی کشور با استناد به مواد مختلف قوانین در موضوع واحد، آرا مختلف صادر کرده اند و مرجع دیگری غیر از هیأت عمومی دیوان عالی کشور برای حل این قبیل معضلات به نظر نمی رسد، لذا مستنداً به مادهٔ ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری، طرح موضوع را برای صدور رأی وحدت رویهٔ قضایی تقاضا می نماید.

حسین مختاری ـ معاون قضایی دیوان عالی کشور

ب: نظریهٔ دادستان کل کشور

«احتراماً؛ در خصوص جلسهٔمورخ ۱۳۹۴/۸/۲۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، موضوع رسیدگی به پروندهٔ وحدت رویهٔ ردیف ۱۸/۹۴ نظر خود را جهت استحضار حضرت عالی و قضات محترم حاضر در جلسه به شرح ذیل معروض می دارد:

همان طور که ملاحظه می فرمایید شعب چهل و چهارم و سی و هشتم دیوان عالی کشور احکام صادره در مورد مواد مخدر، غیر از اعدام را، قطعی و غیر قابل تجدیدنظرخواهی دانسته و با توجیهات به عمل آمده در آرا مورد بحث، آنها را غیرقابل طرح در دیوان عالی کشور دانسته اند ولی شعب چهل و پنجم و چهل و ششم بر خلاف نظر شعب مذکور در فوق، اعتراض نسبت به محکومیت های غیر از اعدام را قابل طرح در دیوان عالی کشور تشخیص داده و نسبت به تجدیدنظرخواهی های به عمل آمده در حدود مقررات مادهٔ ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی اتخاذ تصمیم کرده اند.

نظر به اینکه مادهٔ ۳۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوّب ۱۳۷۶ صراحتاً احکام محکومیت (غیر اعدام) را قطعی اعلام کرده است و طبق مادهٔ ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی، آرا صادره از حیث قابلیت اعتراض، تجدیدنظر و فرجام خواهی تابع قوانین مجری در زمان صدور آنها می باشد، قابل تجدیدنظر دانستن این احکام نیاز به تصریح قانون دارد و طبق مادهٔ ۵۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ مادهٔ ۳۲ قانون مذکور نسخ صریح گردیده است و در مادهٔ ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است که آرا دادگاه های کیفری جز در موارد زیر که قطعی محسوب می شودکه در آن علت ذکر شده است و منصوص العله می باشد نباید به احکام قطعی دست زد و آنها را بدون مستند قانونی قابل تجدیدنظر دانست و نمی توان به اطلاقات اشاره و به عمومات مثل اینکه کلیهٔ احکام قابل تجدیدنظر است، فرآیند دادرسی دو مرحله ای است، استناد کرد زیرا باید مستند قانونی صریح داشته باشیم و اینگونه احکام محکومیت (غیراعدام) نیز رسیدگی دو مرحله ای خود را طی کرده اند و ما در دادستانی کل در رسیدگی به پرونده های مواد مخدر از چهار یا پنج نظر قضایی همکاران استفاده می کردیم. در مورد اینکه قانون مبارزه با مواد مخدر مؤثر بوده یا خیر، نیاز به بررسی دارد و ما در مقام اجرای قانون هستیم. اگر این گونه آرا که قطعی و غیرقابل تجدیدنظر هستند خلاف قانون یا شرع بین تشخیص داده شوند باید برابر راهکارهای پیش بینی شده در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ عمل کرد، لذا احکام محکومیت (غیراعدام) مربوط به جرائم مواد مخدر صادره قبل از ۱۳۹۴/۴/۱ را قطعی و غیر قابل تجدیدنظر می دانم و نظر به تأیید آرا شعب سی و هشتم و چهل و چهارم دیوان عالی کشور دارم.»

ج: رأی وحدت رویهٔ شمارهٔ ۷۴۵-۱۳۹۴/۸/۲۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه مادهٔ ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مقرر می دارد: «آرا صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدیدنظر و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان می باشد.» و با عنایت به اینکه بر حسب مستفاد از مادهٔ ۳۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر ... مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷، آرا محکومیت مرتکبین جرایم مواد مخدر به استثنای احکام اعدام که تا تاریخ ۱۳۹۴/۳/۳۱ صادر گردیده، قطعی و لازم الاجرا است و در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ مقررات خاصی برای تجدیدنظر یا فرجام خواهی نسبت به این آرا وضع نگردیده است، بنابراین مقررات این قانون راجع به اعتراض به آرا با لحاظ حکم مقرر در مادهٔ ۴ قانون مدنی که مقرر می دارد «اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ما قبل خود اثر ندارد، مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ

شده باشد.» منصرف از آرا مورد اشاره است، بر این اساس، آرا شعب سی و هشتم و چهل و چهارم دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد، صحیح و قانونی تشخیص داده می شود. این رأی طبق مادهٔ ۴۷۱ قانون اخیرالذکر در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور/

منبع : سایت مجلس شورای اسلامی